

قره باغ؛ بحران در اغما

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

نصام امب احمدیان،

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : ارامنه قره باغ با به دست گیری کنترل نواحی قره باغ کوهستانی، استانی خود مختار در جمهوری آذربایجان، و اشغال هفت ناحیه پیرامونی آن در خاک جمهوری آذربایجان به عنوان مناطق حایل، موفق شدند حدود یک پنجم اراضی جمهوری آذربایجان را به کنترل خود درآورند. این روند بتدریج از آغاز فروپاشی شوروی تا 1994 ادامه یافت و در ماه می 2004، گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا (متشکل از نمایندگانی از یک کشور منطقه ای، یعنی روسیه، و دو کشور خارج از منطقه، یعنی فرانسه و ایالات متحده) آتش بس را بین ارامنه و آذربایجان برقرار کرد.

سوال این است چرا ارامنه ساکن در استان قره باغ کوهستانی خواهان جدایی از جمهوری آذربایجان و استقلال کامل به عنوان یک جمهوری هستند؟ چرا در هنگام کنترل اوضاع قره باغ کوهستانی توسط ارامنه ساکن در قره باغ و اشغال هفت ناحیه مجاور، هیچ فردی در این اراضی هم چون برخی نقاط جهان از جمله فلسطین، باقی نماند. به نظر می رسد آذری های ساکن در قره باغ کوهستانی که کمتر از 20% کل ساکنان این استان را تشکیل می دادند، به جهت عدم تعلق به خاکی که در آن ساکن بودند، نخواستند در این اراضی باقی بمانند و به سوی دیگر نقاط آذربایجان، از جمله متروپول باکو سرازیر شدند، حرکتی که نشان از توزیع نامتعادل جمعیت و ثروت در این کشور داشت. نکته لازم به یادآوری آنکه مرزهای بین جمهوریهای تشکیل دهنده اتحاد شوروی، مرزهای بین المللی نبودند، بنابراین این مرزها تحدید حدود نشده و معاهده ای بین المللی بین این جمهوری ها امضاء نشده بود. به همین سبب تعیین حدود بین جمهوریها بیشتر براساس تقسیمات اداری داخلی اتحاد شوروی و بر آورده کردن برنامه های مناطق اقتصادی هیجده گانه ای بود که قفقاز جنوبی یکی از آنها بود. وجود بوم بسته های (enclave) یک جمهوری در نواحی مجاور جمهوری دیگر خود گویای این واقعیت است. با در نظر گرفتن این واقعیات می توان درگیری بین دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان بر سر مساله قره باغ را در این چارچوب ارزیابی کرد. به همین سبب، سازمان ملل متحد و شورای امنیت، این مسائل را زیاد جدی نگرفته اند، هر چند درمورد فلسطین اشتغالی نیز پس از گذشت چندین دهه از صدور قطعنامه های متعدد، هنوز اقدام عملی از سوی اسرائیل انجام نشده است. بنابراین نباید انتظار داشت که مساله قره باغ در چارچوب ها و نرمهای متعارف بین المللی حل و فصل گردد. لذا بحران می تواند سالها ادامه داشته باشد. آنچه مردم دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان از آن رنج می برند، نه تصرف و کنترل استان قره باغ کوهستانی و نه نواحی پیرامونی آن است، بلکه دستاویز قرار دادن وجود این بحران به عنوان مستمسکی برای ادامه حکومت هیات های حاکمه ای است که توانایی حل مشکلات اقتصادی مردم از جمله رفع بیکاری، مبارزه با مافیای اقتصادی، رشوه، فساد و اداری ندارد.

اکنون بحران قره باغ برای هر دو هیات حاکمه و طرف سوم یعنی قره باغی ها به مساله ای حیثیتی تبدیل شده است. اگر نهادهای بین المللی آن را به نفع آذربایجان تمام کنند، هیات حاکمه ارمنستان به مردم خود که سالها از بحران اقتصادی و کمبودها و بیکاری و فقر و فساد و رشوه به بهانه وجود جنگ رنج برده اند، چه پاسخی می تواند بدهد. آیا آنها نخواهند پرسید اگر تصمیم بر این بود که قره باغ دوباره در ترکیب جمهوری آذربایجان قرار بگیرد، چرا سال اول مناقشه این کار نشد؟ چرا جوانان ما در جبهه شهید شدند و دهها سوال دیگر. همین طور اگر تصمیم براین باشد که قره باغ مستقل یا به ارمنستان داده شود، چرا در آغاز مناقشه این کار انجام نشده بود؟ پاسخ به خانواده هزار ها شهید و صدها هزار آواره جنگی را چه کسی عهده دار خواهد بود؟

باید توجه داشت که قفقاز بر خلاف آنچه پنداشته می شود، هیچگاه یک نظام واحد نبوده مگر زمانی که یک قدرت برتر، کل آنرا در سیطره خود داشته است، مانند دوره های ساسانی، صفوی و امپراتوری روسیه و شوروی. بنابراین در بررسی مسائل قفقاز جنوبی نمی توان آن را در چارچوب یک سیستم واحد مورد ملاحظه قرار داد. از اینرو، حل مناقشاتی که در این منطقه رخ داده است، از پیچیدگی های ویژه ای برخوردار است که تاکنون مدلی از پیش تعیین شده برای آن وجود نداشته است. شاید این بحران را بتوان به بحران کشمیر تشبیه کرد که بهترین وضعیت آن، بدترین وضعیت آن است و آن وضع موجود است.

برای ملت ارمنی که از همه سو سرزمینهای خود را از دست داده، قره باغ هویت جدیدی است که سالها به دنبال آن بوده است. در حالی که ارامنه دارای سابقه ای کهن از دولتمداری بوده اند، آذربایجان بتازگی بدان دست یافته اند. حتی نام آذربایجان برای اران، جعلی است. ملت ارمنی که آرارات کوه مقدس خود را همه روزه در جنوب کشور در منظر خود دارد به دنبال هویت جدیدی است که با نمادهای کهن و اسطوره ای اش در پیش رو دارد. آرارات در ترکیه در نزدیکی مرز ارمنستان قرار دارد و نماد زندگی و سر بلندی برای ارامنه بشمار می رود.

به دست گیری کنترل قره باغ کوهستانی از سوی ارامنه قره باغ، به زعم آنان حقی است که پیشترها از آن محروم شده بودند. بنابراین طرف سوم، با قدرت بیشتری نسبت به طرف اول (آذربایجان) و طرف دوم (ارمنستان) به مساله قره باغ می نگرند. در پاییز 2006 ارامنه قره باغ پانزدهمین سال آزادی قره باغ و پنجمین سال تاسیس جمهوری قره باغ را جشن می گیرند.

ارامنه قره باغ با به دست گیری ارتفاعات مشرف بر دشت شیروان، هر نوع تحرکی را در جبهه آذربایجان تحت نظر دارند. هر نوع حمله زمینی از سوی دشت به طرف ارتفاعات مستلزم تلفات انسانی بسیار بالایی است. از سال 1994 تاکنون، ارامنه قره باغ قدرت بیشتری گرفته اند و از نظر سیاسی موفق شده اند دفتر جمهوری قره باغ را در ایالات متحده آمریکا تاسیس کنند. آنان از سوی ارامنه جهان حمایت می شوند و لابی ارامنه در ایالات متحده، فرانسه، و دیگر کشورها، بر تصمیم گیری رهبران تاثیر می گذارند.

تحولات دیپلماتیک اخیر در زمینه بحران قره باغ نشان میدهد که همه طرفهای درگیر در این مناقشه، به نوعی بر این مساله اذعان دارند که این مناقشه با وجود تاکید آنان به حل سریع آن، در یک وضعیت گیج کننده ای قرار دارد که حل آن را به تاخیر می اندازد.

در جریان اجلاس کشورهای عضو CIS در 2005/9/2 در قازان (تاتارستان) بین علی یف و کوچاریان دیداری بی نتیجه انجام گرفت. در این زمان در دیدار دبیر کل ناتو در 2005/10/25 وی اظهار داشت که ناتو در صلح قره باغ مشارکت نخواهد داشت، موردی که بارها دبیر کل قبلی ناتو در دیدارهای خود از منطقه اعلام داشته بود. با این حال جمهوری آذربایجان در رسانه های خود وعده می دهد که ناتو به زودی قره باغ را از ارامنه باز پس گرفته و به آنان خواهد داد.

در اول و دوم فوریه 2006، نمایندگان گروه مینسک از ارمنستان و آذربایجان بازدید و رهبران دو کشور را به ملاقات و گفتگو در فرانسه دعوت کردند. متعاقب آن، سران دو کشور در 10-11 فوریه به دعوت ژاک شیراک به پاریس عزیمت و در رامبولی با یکدیگر ملاقات کردند، اما اختلاف نظر دو طرف بقدری زیاد بود که آنها ترجیح دادند درباره این موضوع کنفرانس مطبوعاتی نداشته باشند و اعلام موضع را به وزرای خارجه خود محول کردند. مجدداً با تحركات گروه مینسک وزرای خارجه دو کشور در 19 می 2006 در استراسبورگ

فرانسه دیدار و درباره تحولات مناقشه قره باغ به گفت و گو پرداختند که بی نتیجه بود. در این زمان، ارامنه قره باغ چهاردهمین سال بازگشایی دالان لاجین را جشن گرفتند. با این حال نمایندگان گروه مینسک در اول و دوم فوریه 2006 از هر دو کشور دیدار و در زمینه مناقشه گفت و گو کردند. دیدارهای فرانسه نشان داد که قدرت تاثیر گذاری فرانسه بر بحران قره باغ ناچیز است. ایالات متحده با بهره گیری از ناکامیهای فرانسه، و برای اثبات قدرت تاثیرگذاری خود بر منطقه، با علی یف رئیس جمهور آذربایجان در آوریل 2006 در

کاخ سفید ملاقات و درباره برخی مسائل جهانی و منطقه ای از جمله درباره برنامه هسته ای ایران و مناقشه قره باغ به گفت و گو نشست.

به طور کلی، دو مورد، اساسی تر از دیگر موارد، بحران قره باغ و ادامه آن را تشدید می کند.

1. درخواست ارامنه قره باغ برای شرکت در مذاکرات صلح به عنوان طرف سوم که مورد تایید ارمنستان و گروه میانجیگران است ولی آذربایجان بشدت با آن مخالفت می کند زیرا به منزله شناسایی رسمی جنبش قره باغها قلمداد خواهد شد.

2. برگزاری فراندوم از سوی جامعه جهانی که آذربایجان بدفعات آن را رد کرده است. آذربایجان به خوبی می داند که جمعیت رسمی قره باغ قبل از بحران 86% ارمنی بود و اکنون که در آنجا هیچ آذری اقامت ندارد، این رقم به 100% می رسد و هر نوع همه پرسی تعیین سرنوشت، به نفع ارامنه خواهد بود چه فراندوم استقلال و چه فراندوم پیوستن به ارمنستان.

علاوه بر این دو مورد، آذربایجان با طرح الحاق اساساً مخالفند و نمی پذیرند تحت هر شرایطی این موضوع مطرح شود. آنها پیشنهاد اعطای خود مختاری سطح بالا برای ولایت قره باغ کوهستانی در چارچوب حاکمیت آذربایجان ارائه می دهند و آن هم فقط پس از آزاد سازی اشغال اراضی هفت ناحیه (رایون) خارج از ولایت قره باغ.

در مورد پیشنهاد های گروه میانجیگران در زمینه تبادل اراضی برای امکان اتصال نخجوان به آذربایجان ارامنه با آن به شدت مخالفند زیرا در آن صورت ارمنستان در جنوب از دسترسی به مرزهای بین المللی و ارتباط مستقیم با ایران محروم خواهد شد. البته آذربایجان و ترکیه با این طرح موافقت دارند زیرا ارتباط زمینی مستقیم ترکیه با خاک اصلی آذربایجان فراهم خواهد شد که آرزوی دیرینه پان ترکیستها از گذشته دور تاکنون بوده است. ایران نیز با این طرح مخالف است زیرا از طرف شمال، در قلمرو ترکها محصور خواهد بود و منافع ملی ایران و وحدت ملی آن را به مخاطره می اندازد.

آذری ها غرب را به هواداری از ارامنه متهم می کنند. به ویژه اینکه افتتاح دفتر جمهوری قره باغ در واشنگتن و فعالیت گسترده آن که موجب شناساندن قره باغ به جامعه جهانی شده است، نارضایتی آذربایجان را بدنبال داشته است. آذری می گویند بجای اینکه غربیها از ارامنه بخواهند که به اشتغال خود پایان دهند، از آذریها که مظلومان این مناقشه اند، می خواهند که با ارامنه صلح کنند.

دبیلمات های گروه صلح پیشنهادی را ارائه داده اند که عبارت است از استقرار سربازان حافظ صلح بین المللی بین ولایت قره باغ و آذربایجان و تخلیه نواحی هفت گانه اشغالی آذربایجان در پیرامون قره باغ و پس از آن برگزاری فراندوم در 10 سال آینده. با این پیشنهاد میانجیگران براین باورند که اصول اساسی آنها شناسایی و پیشنهاد شده است و

برای حل مناقشه راه حل منصفانه ای ارائه داده اند. آنها در 6 ژوئن 2006 اظهار تاسف خود را از اینکه طرفین هنوز به این اصول برای موفقیت دست نیافته اند، اعلام نموده اند. علی یف در مذاکرات سال گذشته در فرانسه از این ابتکار استقبال نکرد و استدلال کرد که این فراندوم موجب پیوستن قره باغ به ارمنستان خواهد شد. او مخالف شناسایی دو ژور هر بخشی از خاک آذربایجان توسط جامعه جهانی است.

میانجیگران اعلام نموده اند چنانچه در سال جاری موافقت نامه صلح امضاء نشود، این امر تا سال 2009 به تاخیر خواهد افتاد. زیرا در سال 2008 هر دو کشور انتخابات ریاست جمهوری خواهند داشت و علاوه بر آن در ارمنستان انتخابات پارلمانی نیز در سال آینده بر گزار خواهد شد.

در این میان گفته شده است که به نماینده آمریکا در گروه مینسک، استون مان در وزارت خارجه ایالات متحده پست جدیدی محول شده است. این نشانه آن است که آمریکا از برقراری صلح در قره باغ ناامید شده است.

دیدار علی یف و کوچاریان در رامبولی فرانسه در 10-11 فوریه 2006 که به ابتکار ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه برگزار شد، نتایج مثبتی به دنبال نداشت و آذربایجان را سخت آزرده کرد و روسای جمهور دو کشور از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی خودداری و آن را به وزرای خارجه خود محول کردند. وزیر خارجه آذربایجان در تلویزیون " لیدر تی وی" اظهار داشت که آذربایجان مخالف برگزاری فراندوم است و آن را نمی پذیرد. وزیر خارجه ارمنستان نیز از بی حاصل بودن نتایج مذاکرات به علت سر سختی طرف آذری اظهار تاسف کرد. دیدار روسای جمهور دو کشور نیز در 4-5 ژوئن در بخارست پایتخت رومانی در زمان برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری کشورهای حوزه دریای سیاه که دومین دیدار آنها در سال 2006 بود، نتیجه ای در بر نداشت.

در کنفرانس بین المللی " قفقاز بدون مناقشه و تروریسم: گفتگوی تمدنها در چهار راه قفقاز" که در 17-18 می 2006 در ایروان برگزار شد، با وجود دعوت از آذربایجان، آنها نماینده ای به این کنفرانس اعزام نکردند. در این کنفرانس مواضع ارمنستان برای پیشنهاد گروه مینسک مثبت بود و از نرمتر شدن ارامنه و پذیرش مصالحه حکایت داشت.

در این کنفرانس وزیر خارجه جمهوری قره باغ در کنار مشاور رئیس جمهور آرکادی قوکاسیان نیز شرکت داشتند. وزیر خارجه قره باغ اعلام داشت در جامعه ای که استقلال مونته نگرو از صربستان با فراندوم پذیرفته می شود، حتما فراندوم قره باغ نیز می تواند به بحران قره باغ پایان دهد. در همین رابطه ودر 22 فوریه 2006، معاون پارلمان روسیه اعلام کرد استقلال کوزوو می تواند مدلی برای موارد مشابه در قفقاز از جمله قره باغ باشد.

در این میان آنچه بیش از هر چیز دیگری به نفع ارامنه قره باغ پیش می رود، سر سختی آذربایجان برای پذیرش هر نوع روش مصالحه است که در نهایت جامعه جهانی را بسوی پیشنهاد طرح برگزاری همه پرسی رهنمون نموده است. آذربایجان به خوبی می داند که در صحنه بازی قره باغ موقعیت مناسبی ندارد و در روند بحران قره باغ مشکلات داخلی خود را فراقنی کرده و بجای پرداختن به حل موضوع، پیروزی ارامنه در آغاز درگیریها را به کمک کشورهای همسایه و روسیه نسبت داده است. اما بحران هم چنان ادامه دارد. پایان پیام.